

تکمله کتاب‌شناسی توصیفی مکتب تفکیک

چکیده: اهمیت و کاربرد کتاب‌شناسی در پژوهش از مسائل مورد قبول همگان است؛ بطوریکه پس از انتخاب موضوع پژوهش، اساسی‌ترین مسئله، تکیه بر آثاری است که در آن زمینه نگاشته شده است. کتاب‌شناسی مکتب تفکیک کتابی است که توسط هادی ربانی و انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی به رشته طبع درآمده است و دربردارنده ۹۰۶ منبع در این حوزه موضوعی تا پایان سال ۱۳۸۸ است. نوشتار حاضر تکمله‌ای بر این منابع بوده که مشمول دامنه زمانی کتاب‌شناسی می‌شد و بعد از آماده‌سازی کتاب برای نشر، توسط نویسنده شناسایی شده‌اند. از این رو نویسنده در نوشتار حاضر، بعد از بیان مقدماتی پیرامون ضرورت تدوین کتاب‌شناسی، و بررسی موضوع مکتب تفکیک، دامنه کار و روش تنظیم آن، مشخصات کتابشناختی هشتاد منبع را به همراه گزارشی از محتوای آن‌ها به ترتیب الفبای پدیدآورنده ارائه می‌نماید.

کلیدواژه: کتاب‌شناسی توصیفی، مکتب تفکیک.

اشاره

به تازگی کتابی با عنوان «کتاب‌شناسی مکتب تفکیک» از سوی نگارنده و به همت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی انتشار یافته است. در این کتاب ۹۰۶ منبع اعم از کتاب مستقل، کتاب مشتمل، مقاله، پایان‌نامه و نسخه خطی نگاشته شده از سوی موافقان و مخالفان مکتب تفکیک تا پایان ۱۳۸۸، در ۴۹۲ صفحه و با قطع وزیری به صورت توصیفی معرفی شده است. پس از آنکه کتاب در مراحل آماده‌سازی برای نشر قرار گرفت و تا زمان انتشار آن در پاییز ۱۳۹۲، نویسنده به‌مآخذ دیگری دست یافت. این منابع مشمول دامنه زمانی‌ای می‌شد که با عنوان «تکمله کتاب‌شناسی» در این نوشتار ارائه می‌شود. در این تکمله هفتاد منبع دیگر شناسانده می‌شود. پیش از معرفی این منابع، به ضرورت تدوین کتاب‌شناسی، پیشینه، نامگذاری و موضوع مکتب تفکیک، دامنه کار و روش تنظیم آن به‌اجمال اشاره می‌کنیم.

اهمیت کتاب‌شناسی و کاربرد آن در پژوهش از مسائل مورد قبول همگان و از مقدمات هر پژوهشی است. هیچ پژوهشی بدون تکیه بر منابع و آثاری که در آن زمینه نگاشته شده به سامان نخواهد رسید. از همین رو پس از انتخاب موضوع پژوهش، اساسی‌ترین مسئله، مراجعه به منابع برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش است. هر پژوهشگری برای به سامان رساندن پژوهش خود، نیازمند از نظر‌گذراندن کلیه

آثاری است که درباره آن موضوع نگاشته شده است. این آگاهی افزون بر غنا بخشیدن به پژوهش، از به هرزرفتن فرصت‌ها و دوباره‌کاری نیز پیشگیری می‌کند. انگیزه تهیه این کتاب‌شناسی، گذشته از اهمیتی که موضوع کتاب‌شناسی دارد، شمار آثاری است که در این زمینه، به‌ویژه در چند سال اخیر انتشار یافته است.

الف) پیشینه

خلوص‌گرایی در فهم دین،^۱ نظریه‌ای نیست که میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳ - ۱۳۶۵ق) و شاگردان وی آن را پایه‌گذاری کرده باشند،^۲ چنان‌که موافقت یا مخالفت با این موضوع اختصاص به جهان اسلام نیز ندارد؛^۳ از این رو خلوص‌گرایی در فهم دین و مخالفان این روش

۱. فارغ از موافقت یا مخالفت با آن، که این نوشتار در مقام ورود بدان نیست و به دلیل نیاز موضوع کتاب‌شناسی به طرح آن و تعیین دامنه کار، به‌اجمال بدان پرداخته می‌شود.

۲. نگاشته‌هایی با عنوان تهافت الفلاسفة و تهافت تهافت الفلاسفة که در طول تاریخ در این موضوع نگاشته شده است، حکایت از وجود نگرش‌های فکری متفاوت دارد. رک به: ابراهیمی دینانی، غلامحسین؛ ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام؛ تهران: طرح نو، ج ۳، ۱، ۱۳۷۹. بخش‌های مختلفی از این مجموعه سه جلدی به بررسی و نقد آرای مخالفان فلسفه در سده‌های پیشین پرداخته است. نیز رک به: سیدجلال‌الدین آشتیانی؛ نقدی بر تهافت الفلاسفة غزالی، ج ۱، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۸. مؤلف در جانب‌داری از فلسفه، به نقد تهافت الفلاسفة غزالی پرداخته است. گفتنی است که غزالی در کتابش با نگرش عرفانی، فلسفه را نقد کرده است. نیز رک به: محمدرضا حکیمی؛ مکتب تفکیک؛ ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۶ - ۱۸۸. مؤلف اگرچه نامگذاری «تفکیک» را جدید می‌داند، ولی قدمت مکتب تفکیک و پیوستگی آن را به زمان نزول قرآن می‌رساند.

۳. «چگونگی ارتباط میان دین و فلسفه و نوع پیوستگی و همبستگی آنها با یکدیگر، از مسائل

اختلافی میان آنها مشاهده نمی‌کنند. گروه دوم بر این عقیده‌اند که فلسفه مخالف، و منافی دین است و هرگونه هماهنگی و سازگاری را در میان این دو جریان مردود می‌شمارند و بالاخره گروه سوم راه وسط را انتخاب کرده و معتقدند در برخی موارد بین دین و فلسفه هماهنگی وجود دارد و از مسائل فلسفی می‌توان به نفع دیانت استفاده کرد.^۹

افزون بر قدمتی که این نوع نگرش فکری در تفکیک دین با دیگر مشرب‌های فکری دارد، در سده اخیر نیز چنین نگرشی، جز آنچه موضوع این کتاب‌شناسی است وجود داشته است.^{۱۰} البته چنان‌که در دامنه کار توضیح آن خواهد آمد، حتی این هم‌زمانی، دلیل پرداختن به همه آثار خلوص‌گرایان در فهم دین نخواهد بود و این نوشتار تنها به آثاری می‌پردازد که ذیل تعریفی که خواهد آمد می‌گنجند.

برخی شاعران نیز نگاه به این مسئله را از منظر خود دور نداشته‌اند. در این میان خاقانی شروانی (۵۹۵ - ۵۲۰ ق) از همه روشن‌تر و شفاف‌تر بدین موضوع اشارت داشته است. برای نمونه ابیاتی از یک قصیده مشهور او چنین است:

فلسفه در سخن میامیزید
وانگهی نام آن جلدل منهید
زُحلِ زنده، جهان بگرفت
گوش همت برین زحل منهید
مرکب دین که زاده عرب است
داغ یونانش بر کُفل منهید
قفل اسطوره ارسطو را
بر در احسن الملل منهید
نقش فرسوده فلاطون را
بر طراز بهین حلل منهید
فلسفی، مُرد دین مپندارید
حیز را جفت سام یل منهید

چنین نمونه‌هایی در متون کهن ادب فارسی فراوان است و شبیه آن را در آثار بزرگانی چون فردوسی^{۱۱} هم می‌توان یافت. البته همه آنان، معنای یکسانی از «دین خالص» اراده نمی‌کردند؛ اگرچه در خالص‌سازی دین، کمابیش اشتراک نظر داشتند.

فکری که معتقدند «قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند»^۴ دو دیدگاه متفاوت در این زمینه است. برخی عارفان نیز به مخالفت با فلسفه و تفکیک فلسفه و عرفان همت گماشته‌اند.^۵

استاد مرتضی مطهری روش‌های فکری در جهان اسلام را به چهار گروه تقسیم می‌کند: روش فلسفی استدلالی مشائی، روش فلسفی اشراق، روش سلوکی عرفانی و روش استدلالی کلامی.^۶ وی می‌گوید:

عرفا و همچنین متکلمین به هیچ وجه خود را تابع فلسفه - اعم از اشراق و مشائی - نمی‌دانسته‌اند و در مقابل آنها ایستادگی‌ها به خرج داده‌اند و تصادم‌هایی میان آنها و فیلسوفان رخ داده است و همین تصادم‌ها در سرنوشت فلسفه اسلامی تأثیر بسزایی داشته است. عرفان و کلام علاوه بر آنکه از طریق معارضه و تصادم به فلسفه اسلامی تحرک بخشیده‌اند، افق‌های تازه نیز برای فیلسوفان گشوده‌اند. بسیاری از مسائلی که در فلسفه اسلامی مطرح است، اولین بار به وسیله متکلمان و عرفا مطرح شده است هر چند اظهار نظر فیلسوفان با اظهار نظر عرفا و متکلمان متفاوت است.^۷

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی نیز معتقد است انتقاد از فلسفه، مسئله‌ای نیست که امروز یا دیروز رخ داده باشد و این مسئله پیشینه‌ای ممتد و ماجرابی دراز دارد. وی می‌گوید: «منتقدان و ستیزه‌گران جدی فلسفه غالباً در زمره یکی از سه طایفه قرار دارند. این سه طایفه به ترتیب عبارتند از: ۱. مؤمنان و معتقدان به ادیان... ۲. بسیاری از عارفان و اهل سلوک... ۳. تحصیلی مذهبان و کسانی که تنها به فضای علمی و تجربی تکیه کرده...»^۸

همچنین وی درباره هماهنگی یا ناسازگاری دین و فلسفه معتقد است:

اندیشمندان اسلامی در مورد این مسئله، مواضع مختلف اتخاذ کرده و در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان آنان را به سه گروه متمایز تقسیم کرد: گروه نخست کسانی هستند که دین و فلسفه را با یکدیگر هماهنگ و سازگار دانسته و هیچ‌گونه

پرواجرا و چالش‌برانگیز است که پیشینه‌ای بس دراز دارد. سخن‌گفتن از اختلاف و کشمکش میان فلسفه و دین اگر در مورد همه ادیان جهان در همه اعصار صادق نباشد، حداقل درباره سه دین آسمانی، یعنی آیین یهود و مسیحیت و اسلام صادق است. غلامحسین ابراهیمی دینانی؛ نصیرالدین طوسی فیلسوف گفت‌وگو، ج ۱، تهران: نشر کتاب هرمس، ۱۳۸۶، ص ۱۴۳. ۴. عنوان کتابی است از آیت‌الله حسن حسن‌زاده آملی با این مشخصات کتاب‌شناختی: قرآن و عرفان و برهان از هم جدایی ندارند؛ ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵.

۵. رک به: سهروردی، شهاب‌الدین؛ رشف النصائح الایمانیه فی کشف الفضائح الیونانیه؛ ترجمه معین‌الدین جمال بن جلال‌الدین محمد مشهور به معلم یزدی، به تصحیح و توضیح نجیب مایل‌هروی؛ ج ۱، تهران: چاپ نشر و بنیاد، ۱۳۶۵، ص ۵۲۲.

۶. رک به: مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار، ج ۱، تهران: صدرا، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۴۷ - ۱۴۹.

۷. همان، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

۸. رک به: کدکام عقل؛ گذری بر تاریخ ستیز با فلسفه؛ خردنامه همشهری؛ ش ۱۶، تیر ۱۳۸۶، ص ۱۳.

۹. کلمه، ش ۱۱، آبان ۱۳۷۳، ص ۶۶.

۱۰. رک به: میرزا حبیب‌الله الهاشمی الخویی؛ منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ ج ۴، تهران: مکتبه الاسلامیه، [بی‌تا]، ج ۱۳، ص ۱۳۲ - ۴۱۷ و ج ۴، ص ۲ - ۲۲ و رک به: عبدالحسین أعلمی؛ کلمة سواء: نبذة من المباحث الفلسفیه والکلامیه قدیما و حدیثا، تقدیم و اعداد: علی صدرایی خویی؛ قم: مؤسسه فرهنگی سماء، ۱۴۲۳، ص ۲۳۹.

۱۱. آیا فلسفه‌دان بسیار گوی می‌پویم به راهی که گویی پیوی.

ب) نامگذاری

پس از نسل نخست شاگردان مدرسه معارفی خراسان، نسل جدید این جریان فکری با وارد کردن این مباحث در عرصه عام‌تری به ترویج جدی‌ترین بحث‌ها اهتمام ورزیده و آثار بسیاری پدید آورده‌اند که مشخصات آنها در این کتاب‌شناسی شناسانده خواهد شد. یکی از شاگردان برجسته این نسل، استاد محمدرضا حکیمی است که در چند دهه اخیر، مروج این اندیشه بوده است. وی با انتخاب نام مکتب تفکیک^{۱۴} برای این اندیشه، این مباحث را وارد فضای جدیدی کرد.

استاد حکیمی انتخاب نام تفکیک را الهام‌گرفته از نام کتاب بیان

۱۴. تصور برخی به اشتباه بر این است که نام مکتب تفکیک از زمان انتشار ویژه‌نامه کیهان فرهنگی درباره مکتب تفکیک طرح شده است. یکی از منتقدان تفکیک می‌گوید: این واژه را نخستین بار استاد محمدرضا حکیمی در کیهان فرهنگی، سال نهم، اسفند ۱۳۷۱ مطرح کرد و در آنجا به معرفی اجمالی این مکتب پرداخته. حسین مظفری، بنیان‌موضوع فلسفه اسلامی از نگاه مکتب تفکیک، ص ۱۹. او در چند صفحه بعد آورده است: مجله کیهان فرهنگی در اسفندماه ۱۳۷۱ مقاله‌ای مفصل از آقای محمدرضا حکیمی با نام مکتب تفکیک به چاپ رساند و این اسم از آن روزها بر سر زبان‌ها افتاد. (همان، ص ۲۵).

حال آنکه استاد محمدرضا حکیمی تعبیر مکتب تفکیک را برای نخستین بار در سال ۱۳۴۳ در کتاب سرود جهش هادر صفحه ۱۴۵ به‌کار برده است. (رک به: راه و خورشیدی، محمد اسفندیاری، اندیشه‌نامه و راه‌نامه استاد علامه محمدرضا حکیمی، ص ۱۷۹). همچنین وی در آثار دیگر خود پس از تاریخ یادشده نیز بدین مسئله اشارت داشته و وعده داده بود تا در مجموعه آثار دیگر خود، کتابی با عنوان شیخ مجتبی قزوینی و مکتب تفکیک تألیف کند؛ کاری که تاکنون به فرجام نرسیده است و به جای آن مقاله بلند وی در ویژه‌نامه تفکیک نشریه کیهان فرهنگی به چاپ رسید. این مقاله پس از بسط در ویژه‌نامه مجله تاریخ و فرهنگ معاصر (۱۳۷۳) منتشر شد و بعد در قالب کتاب مکتب تفکیک انتشار یافت.

استاد محمدرضا حکیمی خود در این باره می‌گوید: «واژه تفکیک را اینجانب از سال‌ها پیش درباره مکتب تفکیک پیشنهاد کردم و به‌کار بردم و امروز اصطلاح شده و معروف گشته است؛ چنان‌که به‌تازگی برخی از نویسندگان و فاضلان و استادان، در مجامع علمی و کلاس‌های دانشگاهی و درس‌های حوزه‌ای مطرح می‌کنند و بعضی از مورخان آن را به‌کار برده‌اند. از جمله در مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۸۵ و شرح حال شیخ مجتبی قزوینی در مکتب تفکیک، ص ۱۵۹. همچنین در یادداشت ناشر کتاب یکی از ناقدان دیگر مکتب تفکیک که به‌تازگی انتشار یافته، چنین آمده است: «این دیدگاه، نامی بر خود نداشت تا اینکه استاد محمدرضا حکیمی در سال ۱۳۷۱ در مجله کیهان فرهنگی (سال نهم، ش ۱۲) برای نخستین بار، نام مکتب تفکیک را بر این مشرب نهاد و سپس همین مقاله را با بسط و گسترش در کتابی به نام مکتب تفکیک در مجموعه آثار خود منتشر کرد». (محمدرضا ارشادی‌نیا، از مدرسه معارف تا انجمن حجتیه و مکتب تفکیک، ص ۱۵). در ادامه همین یادداشت، برخلاف آنچه گذشت چنین می‌آید: «استاد محمدرضا حکیمی پیش از انقلاب مجموعه آثار ارزشمندی را سامان داد که ششمین اثر مجموعه را به مکتب تفکیک اختصاص داده بود، اما در آن زمان به این وعده وفا نکرد و با وجود انتشار آثار بعدی در اوایل دهه ۶۰، جای آن همچنان خالی بود. تا اینکه ابتدا در مجله کیهان فرهنگی، طرح‌نامه خود را از نظریه تفکیک نگاشت و سپس کتاب مکتب تفکیک را منتشر کرد». (همان، ص ۱۷).

استاد حکیمی در آغاز مقاله خود در ویژه‌نامه کیهان فرهنگی چنین آورده است: «این‌جانب از سال‌ها پیش در نوشته‌های خویش اصطلاح مکتب تفکیک را درباره مبنای شناختی و مکتب معارفی خراسان پیشنهاد کرده و به‌کار برده‌ام و نوشتن کتابی را به نام «شیخ مجتبی قزوینی و مکتب تفکیک» وعده داده‌ام. از این رو کسانی چند، از طلاب فاضل حوزه‌ها و دانشجویان جویای دانشگاه‌ها عالمان و استادان و مدرّسان و دبیران و محققان، بارها پیگیری این کتاب گشته‌اند و بر لزوم نوشتن آن و عمل به وعده یاد شده تأکید کرده‌اند. من نیز همواره پاسخی داده‌ام و کارهای دیگر و گرفتاری‌های دیگر را یادآور شده و گفته‌ام که برای پرداختن به این کار - با انگاره‌ای که در نظر است - فرصتی نیافته‌ام و با اینکه همواره یادداشت‌هایی برای آن گرد آورده‌ام و مأخذهایی در نظر گرفته‌ام و سرفصل‌هایی بر نهاده‌ام، لیکن برای تنظیم مطالب و تدوین مسائل کتاب یاد شده، وقتی درخورد به دست نیآورده‌ام تا بتوان آن را به صورتی سزوار به انجام رسانید و این تکلیف علمی و دینی بس گران را ادا کرد». کیهان فرهنگی، ش ۱۲، ص ۹، اسفند ۱۳۷۱، ص ۶.

ناگفته نماند که خلوص‌گرایی در فهم دین به معنای انکار فلسفه و برهان و بطلان کلی این دو مشرب فکری نیست، بلکه مخالفت با برخی گزاره‌های این دو است بنابراین خلوص‌گرایی در فهم دین را نمی‌توان مخالفت با اساس فلسفه یا عرفان دانست. البته نظر کسانی که در موافقت یا مخالفت با این موضوع راه افراط و تفریط پیموده‌اند، خارج از نگاه این نوشتار است.

در سال‌های اخیر استقبال فراوانی از طرح مکتب تفکیک شده است. آثار انتشار یافته در این زمینه - اعم از کتاب، مقاله، پایان‌نامه و... - پس از طرح این موضوع از سوی استاد محمدرضا حکیمی، مؤید این مدعاست. آیت‌الله رضا استادی معتقد است: «اینکه کسانی مانند حقیر از طرح مکتب تفکیک و خود تفکیک استقبال می‌کنند، معنایش این نیست که هر چه مکتب معارفی خراسان گفته یا می‌گوید، بی‌چون و چرما باید پذیرفت، بلکه مقصود این است که این روش و راه، مسیر صحیحی است که باید دنبال شود و مرزها روشن گردد. روش، مورد قبول و پسند است و محتوای روش باید مورد تحقیق باشد»^{۱۲}.

این کتاب‌شناسی، معرفی منابع مرتبط با مدرسه معارفی خراسان را برعهده دارد. از این رو به‌اجمال به نقش میرزای اصفهانی، پایه‌گذار این حرکت اشاره می‌کنیم. میرزا مهدی اصفهانی پس از هجرت به مشهد، طبق معمول شیوه حوزه‌ها کار علمی خویش را در حوزه مشهد با درس خارج فقه و اصول آغاز کرد. با حضور فاضلان حوزه مشهد در درس وی، بر رونق درس و بحث وی افزوده می‌شود. میرزای اصفهانی در کنار درس‌های خارج، به درس‌های معارف نیز می‌پردازد و دروس معارفی ایشان سال‌ها ادامه می‌یابد. وی در این درس‌ها به بیان تمایز معارف و حیانی و تفاوت آنها با مفاهیم و مصطلحات فلسفی و عرفانی می‌پرداخته است. در دوره ۲۵ ساله سکونت میرزای اصفهانی در مشهد (۱۳۴۰ تا ۱۳۶۵ ق)، عالمان و طلاب بسیاری در مجالس اخلاقی و تربیتی و معارفی ایشان حاضر می‌شده‌اند. از این رهگذار شاگردان بسیاری در مدرسه معارفی خراسان پرورش یافته‌اند که افزون بر نوشته‌ها و تقریرات دروس استاد، خود صاحب تألیف و حوزه درسی تأثیرگذار شده‌اند.^{۱۳}

تاکنون کتاب‌ها و تقریرات درس‌های میرزای اصفهانی، جز تعدادی اندک، به صورت علمی و تحقیقی انتشار نیافته است، اما نسل نخست شاگردان وی، افزون بر تدریس درس‌های رایج حوزه‌ها به تدریس درس‌های معارف نیز اهتمام داشته‌اند. همچنین آثاری در این حوزه پدید آورده‌اند.

۱۲. رضا استادی؛ بیست مقاله؛ ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۲۵.

۱۳. رک به: محمدرضا حکیمی، مکتب تفکیک، ص ۲۱۹ - ۲۲۵.

الفرقان، نوشته شیخ مجتبی قزوینی استاد خود می‌داند. وی انگیزه خود را از این نامگذاری چنین بیان می‌کند:

تصور بنده این است که واژه «تفکیک»، رساننده همه ابعاد این منظور هست؛ زیرا هنگامی که قرار باشد سه مکتب شناختی و معارفی معروف (قرآن، فلسفه، عرفان) از یکدیگر جدا شود، باید هریک نیز به خوبی شناخته و تبیین گردد. پس بیان معارف قرآنی در مکتب تفکیک، جزء عناصر اصلی است، بلکه اصلی‌ترین عنصر است و استاد ما (رضوان الله علیه) دوره کتابی را که در این مقصود (از نوع «تألیف عام» اهل این مکتب) نوشت بیان الفرقان نامید، به معنای تشریح تفاوت و تبیین فرق و فاصله میان سه مشرب و مکتب معروف. او در بیان الفرقان نمی‌خواست کتابی فلسفی و عرفانی (حتی فلسفی و عرفانی - انتقادی) بنویسد و مطالب شفا و فتوحات و اسفار را دوباره در کتاب بیاورد، بلکه در صدد بود تا به قدر ضرورت به مطالب اشاره کند و سپس مبانی معارف قرآنی را تشریح نماید و بدین‌گونه نام مکتب تفکیک از تدبیر تداعی‌گر بیان الفرقان نیز الهام گرفته است. به هر حال، غرض از این نامگذاری یکی این است که تعبیری روشن و واژه‌ای ساده و کوتاه در دسترس باشد، واژه‌ای که نیروی تذکر و تداعی آن نیز قوی باشد تا نیاز به تعبیرهای طولانی نیفتد.^{۱۵}

البته برخی اصحاب تفکیک با نامگذاری «مکتب» بر این روش فکری موافق نبوده‌اند. یکی از مترجمان کتاب تنبیهات حول المبدأ والمعاد در پیشگفتار خود چنین آورده است: «این نامگذاری هر چند محسناتی دارد، اما چنان‌که فرزانه ظریفی فرمودند، این توهّم را ایجاد می‌کند که گویا این بزرگان مکتب جدیدی در معرفت شناسی اختراع کردند. آن‌گاه سؤال می‌شود که چگونه در طول چهارده قرن گذشته این همه فقها و علما متوجه این روش نشده و نامی از مکتب تفکیک نبردند. از این رو بهتر است نام خاصی بر این روش گذاشته نشود؛ زیرا این همان روش معرفتی انبیا و ائمه: است و سخنی از خود ندارند و دیگران هستند که نظر و سخن دیگری آورده‌اند».^{۱۶}

البته استاد محمدرضا حکیمی در توضیح این نامگذاری گفته است: «اگر چه نامگذاری تفکیک و مکتب تفکیک تازه است، لیکن واقعیت تفکیک، قدیمی و کهن است و تا صدر اسلام می‌رسد».^{۱۷}

ج) موضوع

موضوع این کتاب شناسی چنان‌که گذشت، مکتب تفکیک یا مدرسه

۱۵. محمدرضا حکیمی، مکتب تفکیک، ص ۱۶۰ - ۱۶۱.

۱۶. میرزا حسن علی مرورید؛ مبدأ و معاد در مکتب اهل بیت؛ ترجمه ابوالقاسم نجری گلستانی؛ ج ۱، قم: دارالعلم، ۱۳۸۳، ص ۱۸.

۱۷. رک به: محمدرضا حکیمی، مکتب تفکیک، ص ۱۸۶.

مکتب تفکیک، مکتب جداسازی سه راه و روش معرفت و سه مکتب شناختی است در تاریخ شناخت‌ها و تأملات و تفکرات انسانی؛ یعنی راه و روش قرآن و راه و روش فلسفه و راه و روش عرفان. هدف این مکتب، نابسازی و خالص‌مانی شناخت‌های قرآن و سره‌فهمی این شناخت‌ها و معارف است، به دور از تأمل و مَزَج با افکار و نخله‌ها و برکنار از تفسیر به رأی و تطبیق تا حقایق وحی و اصول علم صحیح مصون ماند و با داده‌های فکر انسانی و ذوق بشری درنیامیزد و مشوب نگردد.^{۱۸}

البته آنچه استاد حکیمی تاکنون درباره مکتب تفکیک طرح کرده، جز کلیات و اصول کلی نیست. «ما تاکنون هر چه درباره مکتب تفکیک نوشته‌ایم، معرفی‌ای بس اجمالی از طرح مسئله بوده است؛ مثلاً هیچ جا وارد نقد ادله فلسفی نشده‌ایم یا به ادله اصول یازده‌گانه‌ای که صدرالمتألهین تقریر و تحریر کرده است و مورد نقد فنی عمیق شیخ استاد بود اشاره نکرده‌ایم... این جانب فرصت آن را ندارم که به مرحله دوم تفکیک پردازم و از الف تا یای فلسفه را از دیدگاه مستقل علمی، با کمک گرفتن از آنچه استادان بزرگ فلسفه انتقادی و اجتهادی... آموخته‌ام و هم نظرات خودم، مورد بازنگری و نقد فنی قرار دهم».^{۱۹}

اگرچه استاد حکیمی تاکنون در حد طرح کلیات مکتب تفکیک بسنده کرده است، ولی برخی اصحاب تفکیک به تبیین مبانی خود و نیز نقد باورهای فلسفی و عرفانی پرداخته‌اند.

برای روشن شدن دقیق محل نزاع خلوص‌گرایان در فهم دین با معتقدان به جدایی‌ناپذیری دین و فلسفه و عرفان، چهارده مسئله از مباحث مهم اختلافی میان آنان را برگزیده‌ایم که بدان‌ها اشاره می‌کنیم. شیخ مجتبی قزوینی در مقدمه جلد نخست بیان الفرقان، عناوین برخی اختلافات اساسی را چنین برمی‌شمارد:

۱. شناختن خداوند متعال و اثبات وجود او امری است نظری و محتاج به اقامه برهان، و برهان متوقف است بر تحقیق و بحث در علت و معلول و ابطال تسلسل.

۲. توحید واجب الوجود متوقف است بر اثبات اصالة الوجود و تشکیک در حقیقت وجود یا اقامه برهان تعیین یا اثبات وحدت اطلاق.

۱۸. همان، ص ۴۶ - ۴۷.

۱۹. محمدرضا حکیمی؛ معاد جسمانی در حکمت متعالیه؛ ج ۱، قم: دلیل ما، ۱۳۸۱، ص ۳۲۴ - ۳۲۶.

۱. آثار مرتبط با مدرسه معارفی خراسان، اعم از آثار میرزای اصفهانی که پایه‌گذار این مباحث بوده است و همچنین نگاه‌های شاگردان بی‌واسطه و باواسطه ایشان و نیز نوشته‌های کسانی که به گونه‌ای متأثر از این آثار بوده‌اند. این منابع هم نگاه‌هایی را دربرمی‌گیرد که به حوزه‌های اختلافی تفکیکیان و مخالفان آنان پرداخته است، همچون مباحث مرتبط با مبدأ و معاد و هم نوشته‌هایی که کمتر محل نزاع است، مانند مقولاتی همچون نبوت و امامت یا دیگر موضوعاتی که با رویکرد و نگرش تفکیکی بدان‌ها پرداخته شده است.

۲. منابعی که به صراحت در نقد آثار شناسانده شده در بند یک نگارش یافته است.

۳. آثاری که به نحوی ناظر بر مباحث طرح شده در بند یک و دو است. این منابع ممکن است به صراحت در نفی یا اثبات مکتب تفکیک نباشد، بلکه به گونه‌ای ناظر بر موضوع‌های مطرح در بند یک و دو است و از نظر زمانی نیز بر مباحث طرح شده همپوشانی دارد؛ از این رو ممکن است منابعی در این کتاب‌شناسی شناسانده شده باشد که پدیدآورندگان آنان خود را نه حامی مکتب تفکیک بدانند و نه نافی آن، ولی به دلیل ارتباط موضوعی و زمانی با کتاب‌شناسی حاضر در این مجموعه معرفی شده‌اند.

۳. قول به ثبوت قدیم با ذات خداوند، نه در مرتبه ذات مانند مثل افلاطونیه یا قول به صورت زائده بر ذات و قائمه به ذات و انحصار علم خداوند به کلیات یا قول به اینکه علم خداوند عبارت است از نفس حضور موجودات نزد او بدون علم سابق بر ایشیا یا قول به اینکه بسیط الحقیقه کل الاشیاء یا علم اجمالی در عین کشف تفصیلی و امثال اینها که عارفان قائل شده‌اند.

۴. توحید در افعال یعنی اسناد تمام افعال به خداوند به سلسله علت و معلول، بدون امکان تخلف حتی افعال بشریه بالتبع و استناد شرور به خداوند یا انکار شرور در عالم.

۵. اثبات لذائذ و آلام روحی که سبب آنها اخلاق حسنه و رذیله است و سبب آنها امور تکوینی و اسبابی که منجر شوند به اسباب غیراختیاریه که منتهی است به علم خداوند به ذات و نظام عالم.

۶. اثبات قدم اصول عالم حتی عناصر.

۷. انحصار حوادث به حوادث یومیه ازلاً و ابداً که مستند می‌باشند به اسباب تکوینی.

۸. اثبات عدم امکان تغییر و تغیر در عالم و انکار بقاء.

۹. انکار نسبت حُسن و قُبُح در عالم به اراده و اختیار بشر.

۱۰. انکار معاد جسمانی.

۱۱. انکار نبوت به معنایی که در ادیان وارد شده است و انکار ملائکه و جبرئیل به معنایی که از مجاری وحی رسیده است.

۱۲. محدود شمردن علم و قدرت خداوند به امور و موجودات کائنه.

۱۳. اثبات سنخیت بین واجب و ممکن.

۱۴. انکار خلود در عذاب.

برابراب فضل آشکار است که طریق انبیا و ثمرات آن، مخالف و مباین با نتیجه‌های فوق می‌باشد. از آنچه گذشت اجمالاً آشکار گردید که ورود در طریق دوم و سوم [فلسفه و عرفان] مأمون از خطا نبوده، بلکه خطای آن مسلم می‌باشد و باید طریقی را طی نمود که مأمون از خطا باشد و آن طریق انبیا است، چون سعادت بشر در پیروی از عقل مردم می‌باشد و پیامبران عقل تمام مردم‌اند.^{۲۰}

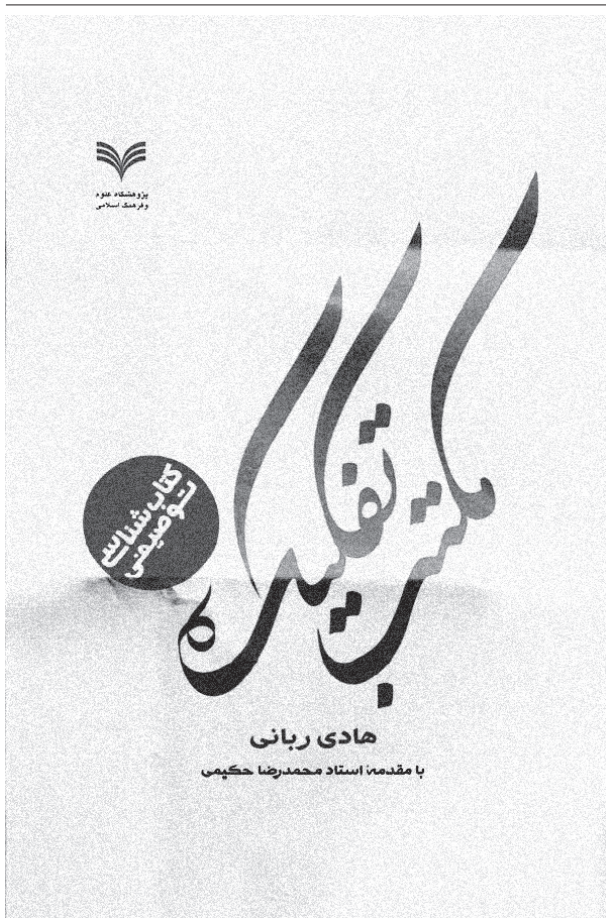
د) دامنه کار

این کتاب‌شناسی معرفی منابعی را دربرمی‌گیرد که از معیارهای زیر برخوردار باشند:

۱. دامنه موضوع

از نظر شمول موضوعی این آثار شناسانده می‌شود:

۲۰. شیخ مجتبی قزوینی؛ بیان الفرقان فی توحید القرآن، مشهد: شرکت چاپخانه خراسان، ۱۳۷۰ق، ج ۱، ص ۸ - ۹.



منابع نگاشته شده درباره موضوع کتاب شناسی را بشناساند. امید است این مجموعه بتواند علاقه‌مندان را که در حوزه موضوع این کتاب شناسی به مطالعه یا پژوهش می‌پردازند، یاری رساند و بستر مناسبی را برای پژوهش‌های آینده در این زمینه فراهم آورد.

در ادامه تکملة کتاب شناسی یاد شده ارائه می‌شود. در این تکملة مشخصات کتابشناختی هشتاد منبع به همراه گزارشی از محتوای آنها به ترتیب الفبای پدیدآورنده می‌آید:

ابتهاج فرد، معصومه

مکتب تفکیک، خداشناسی، اسماء و صفات الهی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: علی ملک‌زاده، استاد مشاور: مهدی دهباشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، ۱۳۸۴، رحلی.

ابک، حمیدرضا

۲. «جدال صدرايي با مکتب تفکیک». روزنامه شرق (یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۲)، ص ۱۴.

این نوشتار، گزارشی است از کتاب «آیین اندیشه: بررسی مبانی دیدگاه‌های مکتب تفکیک»، تألیف سیدمحمد موسوی.

ارشادی نیا، محمدرضا

۳. «تفکیک‌گرویی صدرا یا تفکیک‌نگری به صدرا». خردنامه صدرا، ش ۲۹ (پاییز ۱۳۸۱)، ص ۴۵ - ۵۷.

نشر دوم: نامه مفید، ش ۵۳، ص ۱۲ (اردیبهشت ۱۳۸۵)، ص ۱۱۱ - ۱۲۴.

استادی، رضا

۴. نشر پنجم: «مکتب تفکیک». مدارک نهج البلاغه، ج ۱، قم: قدس، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۴۰۳ - ۴۱۶.

اسدی گرمارودی، محمد

۵. «کسبی یا افاضه‌ای بودن معرفت الله». اندیشه نوین دینی، ش ۱۷، ص ۵ (تابستان ۱۳۸۸) ص ۸۷ - ۱۱۲.

در این نوشتار سعی شده تا با دلایل عقلی و نقلی، اکتسابی بودن معرفت الله و لزوم آن اثبات شود و نظریه تنها افاضه‌ای بودن معرفت نیز نقد گردد. بخشی از نوشتار بر نقد مقاله «معرفت و هدایت فعل خداست»، نوشته محمد بیابانی اسکویی است که به عقیده مؤلف مقاله، معتقد به افاضه‌ای بودن معرفت الله است.

افضلی، علی

۶. «پاسخ به اشکالات کلامی و فلسفی درباره عالم ذر». فلسفه دین، ش ۴، ص ۶ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۸۵ - ۱۱۱.

۴. منابعی که در مخالفت با فلسفه و عرفان یا موافقت آن نگاشته شده، ولی از نظر زمانی بی‌ارتباط با مدرسه معارفی خراسان یا ناقدان آن باشد، از دایره شمول این کتاب شناسی خارج است؛ چرا که مخالفت با فلسفه و عرفان و ادعای مغایرت آن با قرآن و حدیث، همچنان که گذشت به سده‌های پیشین باز می‌گردد و در طول این اعصار، آثار فراوانی در اثبات و نفی این موضوع نگاشته شده است که به دلیل عدم شمول زمانی با موضوع کتاب شناسی حاضر بدان‌ها پرداخته نشده است.

۵. مقاله‌های نگاشته شده در معرفی کتاب‌های مرتبط با موضوع تفکیک.

۶. نگاشته‌هایی که به زندگانی بزرگان و معتقدان روش فکری مدرسه معارفی خراسان پرداخته است.

۲. دامنه منابع

این کتاب شناسی هر نوع مأخذی اعم از کتاب (مستقل یا مشتمل)، نشریه (ویژه‌نامه یا مقاله)، پایان‌نامه، آثار چاپ نشده، نسخه‌های خطی و آثار مجازی را در بر می‌گیرد. در بخش روش تنظیم، درباره نوع اطلاعاتی هر کدام از منابع ارائه شده و همچنین چگونگی تنظیم این اطلاعات توضیحات لازم آورده شده است.

ه) روش تنظیم

منابع معرفی شده در این کتاب شناسی بر اساس نام پدیدآورنده تنظیم یافته است. نخست نام پدیدآورنده با قلمی سیاه آورده می‌شود و در ذیل آن مشخصات کتاب شناختی منابع، متناسب با نوع مأخذ ارائه می‌گردد. همچنین سعی شده گزارشی از محتوای منابع ارائه شود. این گزارش‌ها در منابع اصلی و مهم مکتب تفکیک یا آثار ناقدان آنها کامل تر است.

نکته دیگری که اشاره بدان در اینجا ضرورت دارد، رعایت «اخلاق نقد»^۱ است، به ویژه در حوزه موضوع این کتاب شناسی که آمیخته با مباحث درون دینی - همچون مباحث مرتبط با مبدأ و معاد - است. از این رو نسبت بی‌دینی یا جهل به موضوع از سوی طرفین درگیر این مباحث به یکدیگر، دور از روش علمی و اخلاق نقد است و بدتر از آن، آمیختن این مباحث با سیاست است. گرایش‌های سیاسی و اجتماعی معتقدان هریک از طرف‌های درگیر این مباحث، خارج از مباحثی است که به حوزه‌های خلوص‌گرایی در فهم دین یا مخالفان این روش فکری مرتبط می‌شود. توجه بدین نکته و رعایت آن در پژوهش‌های آتی این حوزه، می‌تواند نتایج پرثمر و آثار ماندگارتری بر جای گذارد.

نگارنده در این کتاب شناسی کوشیده است بدون هرونه ارزش داور،

۱. درباره آیین نقد رک به: کتاب نقد و نقد کتاب، ج ۱، تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۶.

برنجکار، رضا

۱۲. «بداء». موعود، ش ۷۳ (اسفند ۱۳۸۵)، ص ۳۸ - ۴۱.

عناوین طرح‌شده در مقاله عبارتند از: مفهوم بدهاء، دلایل عقلی بدهاء، بدهاء و علم ازلی، آثار آموزنده بدهاء، اسباب بدهاء.

برنجیان، جلال

۱۳. «آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی و شبهه اخباری‌گری». نگاه، ش ۱ (آبان ۱۳۸۷)، ص ۷ - ۵۵.

این نوشتار بررسی مشی اعتقادی میرزا مهدی اصفهانی را در این دو باب برعهده دارد: ۱. عقل در نظرگاه میرزا مهدی اصفهانی (حجیت عقل در حوزه مباحث نظری و اصول اعتقادی و حجیت عقل در حوزه مباحث اصولی). ۲. نسبت عقل و شرع.

نویسنده پیش از ورود به بحث اصلی، با طرح مباحثی در ذیل عنوان «کلیات»، نسبت اخباری‌گری به میرزا مهدی اصفهانی را رد می‌کند و با برشمردن ۲۴ تفاوت میان اصولیان و اخباریان، میرزا مهدی اصفهانی را اصولی می‌داند. همچنین در ادامه همین بخش، به «حجیت عقل» از دیدگاه اصولیان و اخباریان پرداخته است.

برنجکار، رضا

۱۴. «فطری بودن دین در معارف اعتقادی». مجموعه مقالات به مناسبت سال پیامبر اعظم (ص)، گردآوری معاونت پژوهش و فناوری پردیس قم دانشگاه تهران، چ ۱، تهران: فراندیش، ۱۳۸۶، وزیری، ص ۵۳ - ۶۲.

ادعای این نوشتار آن است که اصول و مبانی اسلام در سه بعد اعتقاد، عمل و اخلاق، ریشه در خلقت اولیه انسان دارد و فطری است. فطرت حالت خاصی از آغاز را می‌رساند و در اموری به کار می‌رود که در خلقت اولیه انسان وجود دارد و اکتسابی نیست.

بیابانی اسکویی، محمد

۱۵. «معرفت خدا در روایات الکافی»: مجموعه مقالات فارسی کنگره بین‌المللی ثقفة الاسلام کلینی، جلد چهارم: مباحث فقه الحدیثی، چ ۱، قم و تهران: دارالحدیث و سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۱۰۵ - ۱۵۵.

در این نوشتار اهمیت معرفت خدا و راه‌های کسب آن و همچنین ابعاد این معرفت با استفاده از روایات کتاب «الکافی» و با نگاه مکتب تفکیک بررسی شده است. مؤلف نخست به بیان مفهوم معرفت و تفاوت آن با علم و آرای صاحب‌نظران در این زمینه می‌پردازد و در ادامه ضمن دسته‌بندی روایات «الکافی» درباره «معرفت‌الله»، احادیث واردشده در این زمینه را شرح می‌کند. همچنین نقش عقل در معرفت

از ظاهریات و به ویژه روایات اسلامی برمی‌آید که هر انسانی قبل از تولد از مادر، در «عالم ذر» وجود فردی حقیقی داشته است. گروهی از اندیشمندان مسلمان این برداشت از ظاهریات و روایات را نمی‌پذیرند و هریک به گونه‌ای خاص، این ظواهر را توجیه می‌کنند و اشکالاتی بر آن برداشت ظاهری وارد می‌سازند. این نوشتار پاره‌ای از این اشکالات را طرح ساخته و به پاسخگویی از آنها می‌پردازد.

۱۷. «قضا و قدر». دانشنامه امام علی (ع). ج ۲، چ ۱، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص ۲۲۱ - ۲۸۲، وزیری.

الحیة و گمشده‌های انسان

۱۸. روزنامه همشهری. ش ۲۵۶۱ (چهارشنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۰)، ص ۱۳.

در این نوشتار به بهانه انتشار جلد ششم کتاب «الحیة» تألیف محمدرضا، علی و محمد حکیمی، گزارشی از اهداف تألیف این کتاب ارائه شده است. همچنین به برخی از ویژگی‌های کتاب آمده است.

الحیة و محمدرضا حکیمی

۹. روزنامه همشهری، ش ۳۲۱۵ (سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۲)، ص ۲۱ و ۲۶.

گزارشی است از محتوای کتاب در «الحیة» تألیف محمدرضا، علی و محمد حکیمی. نوشتار گزارشی است از کتاب «الحیة» تألیف محمدرضا، علی و محمد حکیمی. همچنین به اهداف و ویژگی‌های کتاب نیز اشاره شده است.

انتشار آثار استاد محمدرضا حکیمی در فضای مجازی

۱۰. بعثت، ش ۱۳۸۴، س ۳۱ (نیمه دوم تیرماه و نیمه اول مرداد ۱۳۸۹)، ص ۲۰.

نوشتار گزارشی است از این پایگاه که با تمرکز بر آثار منتشرشده استاد محمدرضا حکیمی آغاز به کار کرده و از بخش‌های گوناگونی برخوردار است: درباره استاد کتابخانه، مقالات، ایده‌ها، اخبار، اطلاعیه‌ها، گالری فیلم، گالری صوتوگالری تصاویر.

باقی اصفهانی، محمدرضا

۱۱. عنایات حضرت مهدی (علیه‌السلام) به علما و طلاب: ارشادها، تشویق‌ها، فرمان‌ها، اخطارها، بخشش‌ها، کمک‌ها. ج ۳، قم: نصاب، ۱۳۸۳، وزیری، ص ۱۶۹ - ۱۷۱.

در بخشی از کتاب با عنوان «هشدار درباره طلب معارف از غیر طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) در تشریف آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی (قدس سره)، به چگونگی تشریف میرزا مهدی اصفهانی اشاره رفته است.

گزارشی است کوتاه از زندگانی، شاگردان و آثار.

چینی فروشان، محمدحسین

۲۱. گوهر باران. چ ۱، تهران: کتاب نیستان، ۱۳۸۸، وزیری، ص ۱۷۷ - ۱۷۹ و ص ۳۶۰ - ۳۶۱.

در بخشی از کتاب ذیل عنوان «چند حکایت»، داستان تشرف میرزا مهدی اصفهانی در مسجد سهله را بیان می دارد که سرآغاز روی آوردن وی به اندیشه معارفی است.

حائری، علی و همکاران

۲۲. روز شمار قمری. چ ۱، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۱، وزیری، ۳۶۲ ص، صفحات پراکنده.

نوشتار گزارشی است از زندگانی، مراتب علمی و آثار عالمان تفکیکی ذیل به مناسبت سالروز درگذشت آنان: میرزا جواد آقا تهرانی، ص ۸۳، سیدمومنی زرابادی، ص ۹۲، شیخ هاشم قزوینی، ص ۱۱۰، میرزا علی اکبر نوقانی، ص ۱۳۰، علی اکبر الهیان تنکابنی، ص ۱۹۵، شیخ علی نمازی، ص ۳۳۲، مهدی غروی اصفهانی، ص ۳۴۹ و شیخ هاشم قزوینی، ص ۳۵۲.

حسینی پور، غلامرضا

۲۳. «نقدی بر تفسیر استاد حکیمی از معاد جسمانی ملاصدرا». روزنامه جام جم (۹ اسفند ۱۳۸۵)، ص ۱۱.

این نوشتار مروری نقادانه بر کتاب «معاد جسمانی در حکمت متعالیه» تألیف محمدرضا حکیمی دارد.

حکیمی، محمدرضا

۲۴. «ایمان فیلسوفان». کاشان شناخت، ش ۷ - ۸ (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، ص ۱۶ - ۳۹.

مؤلف در این نوشتار در پی آن است تا اثبات نماید که ترجمه و رواج فلسفه های مختلف در جهان اسلام و در سده های آغازین تاریخ اسلام، ریشه در احساس عجز بیگانگان در برابر فلسفه توحیدی و توحید قرآنی و تلاشی هدفدار برای ازکارانداختن آثار حیات بخش آموزه های وحیانی اسلام بود. مدعای دیگر مؤلف این است که عموم دانشوران حوزه علوم معقول در جهان اسلام، نخست مسلمانانی سخت پایبند به اصول و ارزش های الهی اسلام بوده اند و سپس فیلسوف یا متکلم و مانند آن. بدین روی به استناد اعترافات و توصیه های آنان می توان به این باور رسید که هیچ کدام ایمان خود را از فلسفه های وارداتی نگرفته اند و جز از رهگذر آنچه از قرآن و سنت آموخته اند، به چیزی پایبندی نشان نداده اند.

خداوند، جواز یا عدم جواز تفکر در باب خداوند، مسئله عقل و اثبات خدا و انعکاس نظریه کلینی در این باره، به همراه شرح روایاتی از «الکافی» در این موضوعات از دیگر مندرجات این مقاله است.

بنی هاشمی، سیدمحمد

۱۶. پرتو خرد، خلاصه کتاب عقل: تحریر درس گفتارهای دکتر سید محمد بنی هاشمی، امیرمسعود جهان بینی، چ ۱، تهران: نیا، ۱۳۸۸، وزیری، ۲۲۴ ص.

بیدهندی، محمد

۱۷. «آیا فلسفه حکیمان اسلامی همان فلسفه یونانی است؟». حوزه اصفهان، ش ۷ - ۸ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰)، ص ۱۱۳ - ۱۳۴.

نشر دوم: خردنامه صدرا، شماره ۳۰ (زمستان ۱۳۸۱)، ص ۱۱۳ - ۱۳۴.

نویسنده در این نوشتار بر آن است تا نظرگاه های مختلف درباره فلسفه اسلامی را بررسی و سپس این ادعا را تقویت نماید که واقعیتی تحت عنوان فلسفه اسلامی وجود دارد که از کندی و فارابی و ابن سینا شروع شده و به دست شیخ اشراق و ملاصدرا تکامل یافته و تا زمان حاضر نیز استمرار یافته است و این سخن درستی نیست که گفته شود «فلسفه اسلامی همان فلسفه یونانی است» و یا اینکه «فلسفه اسلامی به ابن رشد ختم شده است».

پاک نیا، عبدالکریم

۱۸. «عنایات امام زمان وظایف مبلغان». مبلغان، ش ۷۰ (شهریور و مهر ۱۳۸۴)، ص ۹۴ - ۱۰۳.

در بخشی از نوشتار با عنوان «کلام حیات بخش امام زمان علیه السلام»، به ماجرای رؤیت امام زمان (عج) از سوی میرزا مهدی اصفهانی اشاره شده است.

تعلق فلسفی و تعلق قرآنی

۱۹. روزنامه همشهری، ش ۳۱۱۵ (چهارشنبه ۱ مرداد ۱۳۸۲)، ص ۶.

گزارشی است از گفت و گو با عبدالجواد فلاطوری. وی معتقد است خلط دین و فلسفه، نه به نفع فلسفه و نه به نفع دین بوده است. دین را از دین بودنش انداخته و فلسفه را از تحرک و پویایی اش.

تهرانی: آقا بزرگ

۲۰. طبقات اعلام الشیعة (نقباء البشر فی القرن الرابع عشر) به کوشش سیدمحمدباقر طباطبایی بهبهانی، چ ۱ تهران: مشهد: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸، ج ۵، وزیری.

۲۵. «عالم ربانی سید موسی زربادی». حوزه، ش ۵ (پیاپی: ۵۳)، ص ۹ (آذر - دی ۱۳۷۱)، ص ۸۶ - ۹۶.

این نوشتار گزارشی است از زندگانی، مراتب علمی و اخلاقی.

خدایاری، علی نقی

۲۶. «اعجاز قرآن / هدایتی و معارفی». دائرة المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ج ۱، قم: مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۵، وزیری، ج ۳، ص ۶۱۸ - ۴۲۶.

عناوین اصلی طرح شده در نوشتار عبارتند از: اثبات و حیانی بودن قرآن از راه مضامینی هدایتی و معرفتی آن و بازتاب اعجاز معارفی در کلام اندیشمندان.

خسرو پناه، عبدالحسین

۲۷. مسائل جدید کلامی و فلسفه دین. ج ۱، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۸، وزیری، ج ۳، ص ۵۵ - ۵۶.

مؤلف در بخشی از کتاب در ذیل عنوان «روش شناسی مسئله»، به مسئله مکتب تفکیک پرداخته است. وی معتقد است روش دین پژوهی مکتب تفکیک، یکی از فنی ترین و با ارزش ترین روش های دین پژوهی به ویژه در مسئله انتظار بشر از دین است، ولی با این وجود، دیدگاه اهل تفکیک خالی از نقد نیست.

۲۸. «معرکه جریان ها: جریان های دین پژوهی ایران معاصر». زمانه، ش ۶۵، ص ۶ (بهمن ۱۳۸۶)، ص ۶۸ - ۶۹.

در بخشی از این نوشتار با عنوان «جریان مکتب تفکیک»، گزارشی کوتاه از اندیشه های این مکتب ارائه کرده است.

دشتی، مهدی

۲۹. توحید در ادب فارسی. ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴، وزیری، ص ۵۴ - ۶۳.

بخشی از کتاب با عنوان «جایگاه توحید در ادب فارسی و معنای راستین آن»، برگرفته از مقاله «توحید» نوشته سید جعفر سیدان در دانشنامه امام علی (ع) است.

دوانی، علی

۳۰. زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع آیت الله بروجردی. با تجدید نظر و اضافات، ج ۳، تهران: نشر مطهر، ۱۳۷۲، وزیری، ص ۳۸۲ - ۳۸۹.

در بخشی از کتاب با عنوان «علامه طباطبایی و آیت الله بروجردی»، به ماجرای برخورد آیت الله حاج آقا حسین بروجردی با انتشار «بحار الأنوار» با تعلیقات سید محمد حسین طباطبایی و حواشی آن اشاره رفته است.

رجایی، غلامعلی (گردآورنده)

۳۱. برداشتهایی از سیره امام خمینی (س): در عرصه تعلیم، تدریس و مرجعیت. ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۹، وزیری، ج ۵، ص ۳۱ - ۳۵.

در بخشی از کتاب با عنوان «مشکلات تدریس فلسفه و حکمت در حوزه»، خاطراتی به نقل از علی دوانی در مخالفت آیت الله حاج آقا حسین بروجردی با تدریس فلسفه در حوزه بیان شده است.

رحیم پور ازغدی، حیدر

۳۲. از «انجمن پیروان قرآن» تا «انجمن حجتیه»: گفتگو با حیدر رحیم پور (ازغدی)، سیر تحول انجمن های دینی از شهریور ۱۳۶۰ تا کنون. ج ۱، تهران: طرح فردا، ۱۳۸۸، رفعی ۱۸۳ ص.

خاطرات طرح شده در کتاب، مربوط به فعالیت های مذهبی در شهر مشهد است. به مناسبت از برخی اصحاب تفکیک و آرای آنان سخن رفته است. پاره ای از عناوین کتاب چنین است: از کرامات استاد حاج شیخ مجتبی قزوینی رحمه الله، استاد حاج شیخ مجتبی قزوینی و تجدید نظری رمز آلود، اتحاد و بیعت تاریخی حاج شیخ با امام خمینی، «تفکیک» تاجر نیست، نه اصالة الوجود، نه اصالة الماهیه و خمینی «فلسفه زده» نبود.

رکنی یزدی، محمد مهدی

۳۳. «آیا دعای عرفه وحدت وجود را بیان می کند؟». مشکوة، ش ۸۳ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۵۴ - ۵۸.

این نوشتار نقدی است به مقاله «عرفان سیدالشهداء»، نوشته محمد کاظم فرقانی. در مقاله یاد شده بخش پایانی دعای عرفه که محمد باقر مجلسی آن را موافق مذاق صوفیان و از افزوده های آنان دانسته رد می شود. ناقد معتقد است شیوه بحث در قرآن با فلسفه متفاوت است، پس به نتایج متفاوت می انجامد. پس بایسته است از تطبیق نتایج این دو روش پرهیز کنیم تا هر دو سالم بمانند.

رودگر، محمد جواد

۳۴. «نقد نظریه تباین عرفان و اسلام». قیسات، ش ۵۴، ص ۱۴ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۲۳ - ۴۸.

در این نوشتار نسبت میان عرفان با اسلام بررسی شده است. در بخشی از مقاله که به نقد و بررسی آرای مخالفان ارتباط میان عرفان و اسلام پرداخته شده، آرای اصحاب تفکیک در این زمینه نقد شده است.

زیما، بی. وی (۱۹۴۶ م -)

۳۵. التفکیکیة: دراسة نقدية. ترجمه اسامه الحاج، ج ۱، بیروت: مجد المؤسسة الجامعية للدراسات، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م، ص ۱۹۱.

اگر در این مورد هم نتواند نظر دهد، پس جایگاه تعقل و تدبیر که در قرآن فراوان دیده می شود کجاست؟

سعیدی، علی

۴۱. «مبانی و لوازم کلامی سکولاریسم». کتاب نقد، ش ۱ (زمستان ۱۳۷۵)، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

در بخشی از مقاله که به مناسبت موضوع از خطر درآمیختن کلام اسلامی و الهیات مسیحی سخن می رود، اشاره ای نیز به مکتب تفکیک رفته است.

سیدان، سید جعفر

۴۲. «جبر و تفویض». مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، چ ۱، قم: کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، وزیری، ص ۱ - ۲۵.

نشر دوم: سلسله دروس عقائد: جبر و تفویض. [مشهد]: [بی نا]، [بی تا]، رقعی، ۴۶ ص.

عناوین اصلی نوشتار عبارتند از: جبر، وجدان و عقل فطری، اختیار و نفی جبر و تفویض در قرآن و حدیث، تفویض و بطلان نظریه تفویض.

۴۳. میزان شناخت. چ ۱، مشهد: پیام طوس، ۱۳۸۱، رقعی، ۳۷ ص.

این نوشتار با اندکی تغییرات در مقاله انتشار یافته با عنوان «میزان شناخت» در کیهان فرهنگی است که به اختصار میزان شناخت در مطالب اعتقادی در آن طرح شده است. عناوین اصلی آن عبارتند از: مکتب مادیون، مکتب صوفیان، مکتب فلاسفه، مکتب عرفان و اشراق، مکتب وحی، معاد جسمانی و روحانی، آیات کریمه قرآن، احادیث شریفه، نظر آخوند ملاصدرا در مسئله معاد جسمانی، رد نظریه ملاصدرا در گفتار سه شخصیت ارزنده.

شاهرودی، عبدالوهاب

۴۴. ارغنون آسمانی: جستاری در قرآن، عرفان و تفاسیر عرفانی. چ ۱، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۴، ص ۳۵ - ۳۶ و ۳۲۸ - ۳۳۰ و ۴۶۵ - ۴۶۶، وزیری.

مؤلف با جانبداری از فلسفه و عرفان، در چند جای کتاب به مخالفت «مکتب تفکیک» با فلسفه و عرفان اشاره کرده و به نقد آن پرداخته است.

شعار حسینی، فرامرز و رحیم روحبخش

۴۵. خاطرات حجت الاسلام والمسلمین اسماعیل فردوسی پور. چ ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۷، رقعی، صفحات پراکنده.

خاطره گواز دانش آموختگان حوزه علمیه خراسان و از شاگردان شیخ

سادات اخوی، سید محمد کاظم

۳۶. معارفی از کتاب و سنت. به اهتمام میرزا محمد کاظمینی، چ ۱، قم و یزد: صحیفه خرد و بنیاد ریحانة الرسول (ص)، ۱۳۸۸، رقعی، ص ۲۸۱ - ۲۹۲.

بخشی از کتاب با عنوان «پیرامون حدیث ثقلین»، به بررسی نکاتی از نوشتار استاد سید جعفر سیدان با عنوان «بررسی روش تفسیر قرآن به قرآن در تفسیر المیزان» اختصاص دارد. این بخش از کتاب به نقش روایات در تفسیر آیات قرآن اشاراتی دارد.

سامت، عبدالرحیم

۳۷. «مصاحبه با آیت الله عبدالرحیم سامت». حوزه، ش ۱ (پیاپی: ۶۷)، س ۱۲ (فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۴)، ص ۳۰ - ۳۱ و ۳۴.

در بخش هایی از گفت و گو درباره سید موسی زرابادی و شیخ علی اکبر الهیان سخن رفته است.

سبحانی، جعفر

۳۸. «الهیات فلسفی یا نگاه عقلانی به دین». قیاسات، ش ۳۸، س ۱۰ (زمستان ۱۳۸۴)، ص ۵ - ۲۰.

مؤلف عقیده دارد که عقلانیت شعار تمامی شریعت های الهی به ویژه آیین خاتم است و دین با دانش همسویی دارد. همچنین مؤلف به بررسی تاریخ تفکیک عقلانیت از دین می پردازد و خاستگاه این تفکیک را به عصر جاهلیت و حکومت امویان و حتی حکومت عباسیان و مسیحیت می رساند و چنین نگرشی را مخالف آموزه های قرآنی و روایی می داند.

۳۹. مدخل مسائل جدید در علم کلام. چ ۲، قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۲، وزیری، ص ۱۵.

فصل نخست کتاب «مذهب تفکیک: تفکیک دین از عقل» نام دارد. در این فصل به نقد مدعیان تفکیک دین از عقل پرداخته شده است.

۴۰. «مکتب تفکیک، کدام تفکیک». گلشن جلوه: مجموعه مقالات، به اهتمام غلامرضا گلی زواره، چ ۱، قم: قیام [بی تا] وزیری، ص ۲۵ - ۳۲.

عنوان روی جلد: گلشن جلوه در تجلیل از مقام علمی نامدار عرصه اندیشه حکیم الهی سید ابوالحسن جلوه (قدس سره) است. مؤلف در این نوشتار معتقد است از قرن دوم هجری تا امروز متکلمان و فلاسفه عقل گرای شیعه همه شاگردان مکتب اهل بیت بوده اند. چگونه می توان عقل و خرد را در معارف به کنار نهاد، در حالی که خرد در احکام تبعیدی شرع دآوری ندارد و تنها قلمرو آن اصول و معارف است.

معلومات حق برای هر شیء، قدرت و حیات حق، صفات سلبيه حق، صفات فعلیه حق، موقعیت وجودی جهان آفرینش و بدء و ختم آن و قضا و قدر.

طرحی از مکتب تفکیک

۵۱. نشریه سالانه معارف اسلام و قرآن. ش ۱ (محررم ۱۳۸۶ هجری)، ص ۲۸۹ - ۲۹۴.

این نوشتار کلیاتی است درباره مکتب تفکیک و برگرفته از کتاب «بیان الفرقان» تألیف شیخ مجتبی قزوینی. در پایان نوشتار آمده است: حوزه خراسان از نظر انتساب به امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (علیه السلام) اینکه آن امام نیز نماینده این طرز فکراست که با اصحاب و ادیان و متکلمین و فلسفه دانان بحث کرده و حقایق مکتب پدرانش را روشن کرد، بر خود واجب می‌داند که مرز معارف ائمه را محکم نگاه دارد و از هرگونه خللی که موجب متزلزل شدن استقلال مکتب ائمه در معارف می‌شود جلوگیری. این نوشته از قدیمی ترین نوشته‌ها درباره مکتب تفکیک است و «نشریه سالانه معارف اسلام و قرآن» مجموعه‌ای بوده است که نوشته‌های فضایی خراسانی را منتشر می‌کرده است.

عالم زاده، بزرگ

۵۲. به سوی بارگاه نور: راهنمای حرم مطهر و مکانهای مذهبی، تاریخی و دیدنی مشهد مقدس، ج ۳، مشهد: شرکت به نشر، ۱۳۸۶، وزیری، ص ۹۵ - ۱۰۹.

در بخشی از کتاب با عنوان «آرمیدگان بارگاه رضوی»، شرح حال کوتاهی از میرزا مهدی اصفهانی، شیخ مجتبی قزوینی، شیخ هاشم قزوینی و سید جواد مصطفوی آمده است.

علاقه بند حسینی طوسی، خلیل

۵۳. «علیت از نگاه اشاره، مکتب تفکیک و حکمت متعالیه». حوزه، ش ۲۹ (خرداد - تیر ۱۳۷۸)، ص ۳۳۲ - ۳۸۲.

غرویان، محسن

۵۴. «نسبت به ترویج و هابیت شیعی احساس خطر می‌کنم: تدریس فلسفه در حوزه و آسیب‌شناسی آن در گفت و گویا حجت الاسلام و المسلمین محسن غرویان». پنجره، ش ۱۵۳، ص ۴ شنبه ۱۵ مهر ۱۳۹۱، ص ۵۴ - ۵۵.

در قسمتی از این گفت‌وگو به مخالفان فلسفه در مشهد نیز اشاره رفته است. همچنین از برخی از افراد کم‌سواد سخن رفته است که اخیراً با بداخلاقی، مطالب خلافی را به بزرگان فلسفه و عرفان نسبت می‌دهند که در واقع نوعی وهابیت شیعی را ترویج می‌دهند.

مجتبی قزوینی است. وی به مناسبت، خاطراتی از برخی معتقدان به مکتب تفکیک بیان کرده است. در بخشی از کتاب نیز مطالبی ذیل عنوان «بازدید امام [خمینی] از حاج شیخ مجتبی قزوینی» آورده است.

شریعتی، احسان

۴۶. «تلفیق دو پروژه: گفتگوی احسان شریعتی درباره حقیقت و ناکامی دمکراسی تعهد». گفتگوکننده: پروین بختیارنژاد، روزنامه شرق (۲۳ تیر ۱۳۸۶)، ص ۳۳ - ۳۴.

در بخشی از گفت‌وگو از مکتب تفکیک سخن رفته است.

شعبان زاده، بهمن

۴۷. تاریخ شفاهی مدرسه حقانی. ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۴۲ - ۴۴، رقعی.

در بخشی از کتاب به نقل از نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی درباره مخالفت آیت‌الله حاج آقا حسین بروجردی درباره تدریس فلسفه در حوزه علمیه قم، تحت فشار شاگردان میرزا مهدی اصفهانی مطالبی بیان شده است.

صادقی تهرانی، محمد

۴۸. «چگونگی خلافت آدم در گفت و گویا آیت‌الله صادقی تهرانی: قسمت سوم». بینات، ش ۳۰، ص ۸ (تابستان ۱۳۸۰)، ص ۱۲۴ - ۱۲۵. در بخشی از گفت‌وگو به مناسبت موضوع از «مکتب تفکیک» نیز سخن رفته است.

صادقی، مسعود

۴۹. نقد و بررسی آراء مکتب تفکیک با تأکید بر معاد جسمانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد جعفر علمی، استاد مشاور: سید محسن میری، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)، ۱۳۸۸، رحلی.

طباطبایی، سید محمد حسینی

۵۰. «بیاناتی که از پیشوایان شیعه بطرز تفکر فلسفی وارد شده است». مکتب تشیع، ش ۴ (اردیبهشت ۱۳۳۹)، ص ۱۱۹ - ۱۷۱.

در این نوشتار مؤلف در پی آن است تا اثبات کند که اصطلاحات و مضامین فلسفی در روایات طرح شده است. این اصطلاحات در زبان عربی سابقه نداشته است. نویسنده بیست روایت را برای نمونه طرح کرده است. در ادامه نیز ده عنوان از مسائل فلسفی که از روایات به دست می‌آید، طرح و درباره هر یک توضیحاتی آمده است. این مسائل عبارتند از: وجود حق و اطلاق وی، وحدانیت حق و معنای آن، صفات حق و عینیت آنها با ذات، علم حق سبحانه به ذات خود و به هر شیء،

غلامی، اصغر

۵۵. «آفاق علم در الکافی». مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی، جلد چهارم: مباحث فقه الحدیثی، چ ۱، قم و تهران: دارالحدیث و سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۵۱۲ - ۲۶۹.

در این نوشتار «علم امام» با نگاه مکتب تفکیک بررسی شده است. عناوین اصلی مقاله چنین است: معنای امام، لزوم مراجعه به روایات ائمه (علیهم السلام) برای فهم خصائص ایشان، اعتبار احادیث الکافی، سرچشمه های غیبی علم امام، عرصه های علوم امامان، مجاری یا وسایط غیبی علم، حیات و جریان دائم علم، نفی علم غیب، علت و معنای آن.

فرامرزی قراملکی، احد

۵۶. روش شناسی مطالعات دینی (تحریری). چ ۱، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۱ - ۲۳۳.

در بخشی از کتاب در ذیل عنوان «روی آوردهای درونی دینی»، مطلبی از کتاب «ابواب الهدی» تألیف میرزا مهدی اصفهانی نقل و نقد می شود.

فرجامی، محمود

۵۷. «تفکیکی دوباره». روزنامه همشهری (۲۹ بهمن ۱۳۸۱)، ص ۲۴.

۵۸. «مکتب مشهد». روزنامه همشهری (۲۷ بهمن ۱۳۸۱)، ص ۱۳ و ۱۶.

فیاضی، غلامرضا

۵۹. هستی و چیستی در مکتب صدرایی: تأملی نودر اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و تفاسیر و ادله و نتایج آن. تحقیق و نگارش: حسینعلی شیدان شید، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۲۲۴ - ۲۲۵.

در بخشی از کتاب با عنوان «استدلال از طریق حقایق متباین داشتن اشیای خارجی»، نظر مؤلفان کتاب «تنیهایان حول المبدأ والمعاد» نوشته میرزا حسینعلی مروارید و کتاب «عارف و صوفی چه می گویند؟» نوشته میرزا جواد آقا تهرانی نقد شده است.

قاضی، سیدمحمدحسن

۶۰. «یادنامه عارف کبیر سیدعلی قاضی». گفتگوی زیر نظر مهدی پروین نژاد، کیهان فرهنگی، ش ۲۰۶ (آذر ۱۳۸۲)، ص ۱۱۰.

در بخشی از گفت وگو خاطره ای درباره دیدگاه های میرزا مهدی اصفهانی آمده است.

قندهاری، هادی

۶۱. سرای سرمدی: اثبات معاد، مرگ، روح، برزخ. چ ۱، تهران: مهام، ۱۳۸۶، رقعی، ۲۱۵ ص.

مؤلف با بهره گیری از آیات و روایات در چهار بخش به موضوعات معاد، مرگ، روح و برزخ پرداخته است. نویسنده از شاگردان با واسطه مدرسه معارفی خراسان است.

کافی، عبدالحسین

۶۲. ماهیت عقل از دیدگاه ملاصدرا و علامه مجلسی (با تأکید بر شروح آنها بر اصول کافی). پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد ذبیحی، استاد مشاور: رضا برنجکار، رشته الهیات و معارف دانشگاه قم، ۱۳۸۰، ۱۳۱ ص، رحلی. در مقاله به برخی از آثار اصحاب تفکیک استناد شده است. نظر مختار مؤلف در موضوع بحث نیز همسوبا اصحاب تفکیک است.

کامرانی، سمیه

۶۳. «دیدگاه مکتب تفکیک در تجرد یا مادیت نفس». فرهنگ پژوهش، ش ۵، س ۱ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۲۶ - ۴۶.

تجرد نفس که از مسائل مسلم نزد فلاسفه اسلامی است، از سوی اصحاب تفکیک به چالش کشیده شده است و تفکیکیان بر اثبات مدعای خود ادله عقلی و نقلی ارائه کرده اند. در این نوشتار ادله اصحاب تفکیک با نگاه انتقادی بررسی شده است.

کظیمی، سید محمد حسین

۶۴. «بدا در الکافی». مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی، جلد چهارم: مباحث فقه الحدیثی، چ ۱، قم و تهران: دارالحدیث و سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۷، وزیری، ص ۲۶۹ - ۲۹۵.

نویسنده در این نوشتار معتقد است «بدا» در علم فعلی خداوند صورت می گیرد، نه در علم ذاتی ای که تغییر در ذات او را موجب شود. مراد از علم فعلی، همان مراحلی است که در روایات برای خلقت اشیایان شده است. عناوین اصلی مقاله چنین است: اهمیت و جایگاه بداء، معنای بداء در لغت، معنای بداء در روایات، تاریخچه بداء، بداء در قرآن با توجه به روایات الکافی، روایات بداء در الکافی و شبهات بداء.

محسنی فر (قرزویی)، رضا

۶۵. شیخ ناشناخته: شرح حال حضرت آیت الله حاج شیخ هاشم مدرس قزوینی از اساتید مقام معظم رهبری. چ ۱، مشهد: پیوند با امام (رحمه الله)، ۱۳۸۶، رقعی، ۶۲ ص.

کتاب در دو بخش تدوین یافته است: در بخش نخست از زندگانی،

مراتب علمی، استادان، شاگردان و فعالیت‌های اجتماعی شیخ هاشم قزوینی سخن رفته است و بخش دوم به «کرامت‌ها و حکایت‌های حاج شیخ هاشم قزوینی» اختصاص دارد.

مدرسی، مرتضی

۶۶. منتخبی از تاریخ فلاسفه اسلام. ج ۳، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۵۳، رقی، ص ۳۵۹ - ۳۷۰.

مؤلف در بخشی از کتاب پس از آوردن مطالب سیدجلال‌الدین آشتیانی به نقل از مجله وحید، در نقد مقاله خود با عنوان «دو فیلسوف شرق و غرب آقا علی مدرس حکیم و کنت دوپینو» به نقد آن پرداخته است. مؤلف همچنان معتقد است آقا سیداحمد تهرانی اصالت ماهیتی است و میرزا مهدی اصفهانی نیز از پیروان او بوده است. همچنین وی در بخشی از کتاب با عنوان «تجدید کلام اهل بیت»، میرزا مهدی اصفهانی و شاگردانش را تجدیدکننده مدرسه علم کلام و فهم حدیث جعفری می‌داند.

مظفری، حسین

۶۷. مکتب تفکیک: سلسله نشست‌های دوره پودمانی روحانیت‌شناسی (۲۱). قم: مؤسسه دین پژوهی بشرا، زمستان ۱۳۸۸، رقی، ۶۶ ص.

این نوشتار متن پیاده شده سخنرانی در دوره روحانیت‌شناسی است که به صورت زیراکس تکثیر شده است. عناوین جزوه عبارتند از: شخصیت‌های مهم مکتب تفکیک و آثار ایشان، کتاب‌های مکتب تفکیک و مباحث نه‌گانه کتاب بنیان مرصوص (تألیف سخنران).

معاون زاده غزنوی، سیدمجتبی

۶۸. «آیت الله العظمی زنجانی فهم مشی اهل بیت (علیهم السلام) را ملاک اعلمیت در فقه می‌داند». رایحه، ش ۲، ص ۷۵ (۱۵ اسفند ۱۳۸۸)، ص ۹۴.

در بخشی از این نوشتار به شکسته شدن جوضد فلسفی و برگزاری درس‌های عقلی در مشهد اشاره شده است.

مصطفوی، سیدجواد

۶۹. «تقارن حدیث و فلسفه». مشکوة، ش ۵ (تابستان ۱۳۶۳)، ص ۱۱۷ - ۱۳۳.

در این نوشتار مؤلف از کم شدن اختلاف میان فیلسوفان و محدثان و تحمل یکدیگر ابراز خرسندی می‌کند. در بخش پایانی نوشته نیز چهار سؤال طرح می‌کند که فیلسوفان پاسخ آنها را بدهند: ۱. درباره علم باریتعالی و ربط حادث به قدیم. ۲. بحث وجود و ماهیت. ۳. اعتبار سخن فلاسفه گذشته در مباحث فلکیات و طبیعیات و امکان سرایت

این اشتباهات در مباحث الهیات ۴. اگر تمام حوزه‌های ما طریقه شهیدین و صاحب جواهر و شیخ انصاری را در تحصیل علم پیش بگیرند، چه مانعی دارد؟

ملایر، موسی

۷۰. «بررسی و نقد چهار رویکرد در الیهیات سلبی». اندیشه نوین دینی، ش ۱۷، ص ۵ (تابستان ۱۳۸۸)، ص ۳۷ - ۵۷.

مؤلف در این نوشتار معتقد است در موضوع بررسی شده در مقاله، دو گروه موافق و مخالف در برابر هم صف‌آرایی کرده‌اند. وی ضمن بررسی آرای موجود در این زمینه، به نظر دو تن از اصحاب تفکیک اشاره دارد که آرای آنان در برای یکدیگر قرار گرفته است. به نظری محمدباقر ملکی میانجی ابطال این نظریه را از مسلمات شریعت می‌داند و در برابر او رضا برنجکار، دفاع عقلی از این نظریه را از مسلمات روایات اهل بیت (لیهم السلام) دانسته است.

منتظری، حسینعلی

۷۱. خاطرات منتظری و نقد آن. اسدالله بادامچیان، ج ۱، تهران: اندیشه ناب، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱ - ۱۵۴، وزیري.

در بخشی از کتاب با عنوان «جایگاه فلسفه در حوزه و نظریه آیت الله بروجردی»، به ماجرای مخالفت آیت الله حاج آقا حسین بروجردی با تدریس فلسفه در حوزه علمیه قم با فشار شاگردان میرزا مهدی اصفهانی اشاره شده است.

موسائیان، ماندنی

۷۲. تحلیل و بررسی مسئله بداء از دیدگاه دانشمندان اسلامی. ج ۱، تهران: نباء، ۱۳۸۵، وزیري، ۱۲۳ ص.

در این اثر آرای مختلف موافقان و مخالفان بداء گردآوری و تحلیل و بررسی شده است و معنای صحیح بداء بر اساس ادله قرآن، حدیث و عقل که شیعه بدان معتقد است و با توحید و علم و قدرت مطلق الهی سازگار می‌باشد، بیان شده است. مؤلف در تدوین اثر خود از منابع اصحاب تفکیک بهره برده و نظر آنان را در موضوع بداء تقویت کرده است.

موسوی

۷۳. «حکیم الهی: زندگی، آثار و احوال استاد سیدجلال‌الدین آشتیانی در گفتگو با استاد موسوی». فروغ اندیشه، ش ۸ (تابستان ۱۳۸۳)، ص ۱۱۷ - ۱۲۲.

در بخشی از این گفت و گوه جوضد فلسفی حوزه علمیه مشهد اشاره رفته است.

در این گفت و گوبه مناسب است از برخی استادان معارفی حوزه علمیه مشهد همچون شیخ مجتبی قزوینی، میرزا مهدی اصفهانی و شیخ هاشم قزوینی سخن رفته است.

وحیدی مهرجردی، شهاب الدین

۷۸. «عقل و محدودیت قلمرو آن در آثار ملاصدرا». پژوهش های فلسفی - کلامی، ش ۴۲. س ۱۱ (زمستان ۱۳۸۸)، ص ۱۷۹ - ۲۰۲.

این نوشتار با بهره گیری از آثار تفکیکیان نگاشته شده است. مؤلف معتقد است با آنکه بیشتر محققان بر این باورند که ملاصدرا عقل و ایمان را مکمل یکدیگر می داند، به نظری با توجه به آثار ملاصدرا - همچون اسفار، مفاتیح الغیب، شرح اصول کافی، شواهد الربوبیه، رساله سه اصل و... -، او در مسائل مختلف از جمله نفس، اسما و صفات خدا، اسرار و رموز جهان هستی، حقایق عالم هستی، معاد جسمانی و... قائل به محدودیت عقل است.

وطن دوست، علی

۷۹. «تفکیکی فیلسوفانه بین تفکیک و فلسفه». حکمت رضوی، ش ۲۰ - ۲۱، ص ۷ (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، ص ۸۸ - ۱۰۲.

این نوشتار نقدی است روش شناسانه بر اصحاب تفکیک.

وکیلی، محمد حسن

۸۰. «معاد جسمانی در کتاب و سنت و حکمت متعالیه». جستار، سال ششم، ش ۱۸ (بهار ۱۳۸۷)، ص ۲۸ - ۴۹.

درباره معاد دو دیدگاه کلی وجود دارد: نخست اینکه معاد بازگشت انسان به همین عالم ماده است و حرکت انسان از مرگ تا قیامت، حرکتی رفت و برگشتی است. دوم اینکه معاد بازگشت به سوی خداست و حرکت انسان، حرکتی یک سویه است. حکمت متعالیه معتقد است قرآن دیدگاه دوم را بیان کرده است، ولی عده ای دیدگاه نخست را باور داشته و آن را از ضروریات دین و مخالف آن را منکر ضروری می دانند. مقاله پس از طرح مسئله و تبیین محل نزاع، به نقد دلایل باورمندان به دیدگاه نخست می پردازد و اثبات می کند که این ادله نه تنها نص در مدعی ایشان نیست، بلکه ظهور هم ندارد و گاهی ظهور قریب به نص بودن در طرف مخالف دارد. همچنین قسمت عمده ای از این نقد و بررسی به آیات خروج از قبر پرداخته است.

مهاجر، روجا

۷۴. «بیان الفرقان، بیان معارف قرآنی». کتاب ماه دین، ش ۱۴۳ (شهریور ۱۳۸۸)، ص ۵۳ - ۵۶.

این نوشتار معرفی کتاب «بیان الفرقان» تألیف شیخ مجتبی قزوینی را برعهده دارد. در این چاپ «بیان الفرقان»، مجموعه پنج جلدی آن در یک مجلد و با مقدمه استاد محمدرضا حکیمی منتشر شده است.

نبوی، محمد تقی

۷۵. «بازخوانی معرفت فطری». نگاه، ش ۲ (فروردین ۱۳۸۸)، ص ۱ - ۵۰.

این نوشتار از فطری بودن معرفت توحیدی انسان نسبت به خالق یکتا و برخی نکته های آن سخن می گوید. عناوین اصلی آن چنین است: برترین باورها دل بستن به لا اله الا الله، آغاز تکوین انسان، رؤیت اطلاق، ذات علی را به صنع او عَزَّوَجَلَّ، نمایاندن خداوند خود را و گروگرفتن عهد و میثاق از انسان ها، فراموشی موقف معاینه پس از ورود به دنیا، فطرت، آشنایی با نبوت و ولایت در کنار توحید، فطری بودن رسالت و ولایت، تنبیه با بلایا، حجر الاسود و علت غفلت و فراموشی.

نعیما طالقانی، محمد نعیم بن محمد تقی

۷۶. منهج الرشاد فی معرفة [جمانیة] المعاد. تحقیق، تصحیح و مقدمه: محمدرضا عطائی، چ ۱، مشهد: مکتبه الإمام الرضا (علیه السلام)، ۱۳۸۸، وزیری، ۹۴۴ ص.

مؤلف کتاب در قرن دوازدهم می زیسته است. کتاب با پاره ای از تعلیقات سید جعفر سیدان به چاپ رسیده است. محقق اثر در مقدمه مصحح بر کتاب می گوید با آنکه مؤلف حکیم کتاب از برخی از آرای ملاصدرا تبعیت می کند، اما در پاره ای از مباحث با ایشان اختلاف نظر دارد که در کتاب بدان ها پرداخته است. مهم ترین این موضوعات عبارتند از: بحث معاد جسمانی و کیفیت حشر اجسام، ثواب و عقاب و لذات و آلام و صراط و میزان و بهشت و جهنم و کیفیت هریک از این ها و ماهیتشان و حشر اطفال و مجانین و حیوانات و چهار پایان. مؤلف در مباحث یاد شده به ظواهر آیات و روایات تمسک جسته و برخلاف روش فلاسفه مشی کرده است.

واعظ زاده خراسانی، محمد

۷۷. «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین واعظ زاده خراسانی». چشم و چراغ مرجعیت: مصاحبه های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت الله بروجردی، به کوشش مجتبی احمدی، عبدالرضا ایزد پناه، حسین شرفی، سید عباس صالحی و محمد حسن نجفی، چ ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۸، وزیری، ص ۲۳۲ - ۲۳۳، ۲۳۹.